

پاسخ به پرسش‌های تربیتی آموزگاران
درباره‌ی دانش‌آموزان

با کودکان خجالتی و کم‌رو چگونه برخورد کنیم؟

اشرف مظلوم

کارشناس ارشد روان‌شناسی تربیتی



اشاره

مشکلات تربیتی دانش‌آموزان در کلاس، از جمله مسائلی است که معلمان با آن روبه‌رو هستند که اغلب به دلایلی از جمله به‌کار نگرفتن شیوه‌های تربیتی مناسب، لاینحل مانده است؛ طوری که کودک سال تحصیلی را به پایان می‌رساند، اما مشکلاتش را به سال بعدی به همراه می‌برد. از این شماره، بخشی را در مجله گشوده‌ایم که پاسخی است به پرسش‌های معلمان دلسوزی که به دنبال راه‌های برخورد مناسب با مشکلات دانش‌آموزان هستند. امید است با به‌کار بستن این راهکارها، گوشه‌ای از دغدغه‌های این آموزگاران برطرف شود.

«برفی» کجاست؟

حیدر خورشیدوند

آموزگار دبستان سیدجمال‌الدین اسدآبادی،
ناحیه‌ی ۲ خرم‌آباد

در پایه‌ی دوم ابتدایی در کتاب فارسی بخوانیم، درسی وجود دارد به نام «مدرسه‌ی خرگوش‌ها». با بررسی دقیق متن درس و تصاویر آن، ناهماهنگی‌هایی بین متن و تصویر به چشم می‌خورد که در موقع تدریس، حتی برخی دانش‌آموزان به این ناهماهنگی‌ها اشاره می‌کنند؛ از جمله:

۱. در گفت‌وگویی که بین معلم و بچه خرگوش‌ها در جریان است، از پنج بچه خرگوش به نام‌های خاکستری، چشم قرمزی، دم پنبه‌ای، پشمالو و برفی نام برده می‌شود، اما در تصویر از یکی از آن‌ها که ظاهراً برفی است، خبری نیست.

۲. تنه‌های قطع‌شده‌ی درختان در این تصویر که از آن‌ها به عنوان میز یا نیمکت استفاده شده است، چندان خوشایند نیست؛ گویی قطع درختان کاری عادی است. در حالی که می‌شد به جای تنه‌ی درختان قطع شده، از تخته سنگ‌های بزرگ و کوچک، به عنوان میز و نیمکت استفاده کرد.

۳. یکی از بچه خرگوش‌ها، برخلاف دیگران، هیچ‌گونه کیف و کتاب و دفتری با خود ندارد.

در این کتاب، علاوه بر این درس، بین متن درس‌ها و تصاویر دیگر نیز تضادهایی دیده می‌شود. برای نمونه، در روان‌خوانی فصل هفتم، در متن درس از «غول سیاه» نام برده شده است، در حالی که در تصویر یک غول رنگارنگ را می‌بینیم که خشک و بی‌احساس جلوی حسنی سبز شده است. به نظر می‌رسد یک نوع بی‌سلیقگی و بی‌دقتی در تصویرگری‌ها حاکم است که احتیاج به اصلاح دارد.

خانم **سهیلا اسلامی** از دبستان آزادی تهران پرسیده‌اند: «با دانش‌آموزی که به سادگی با سایرین ارتباط برقرار نمی‌کند و به قول معروف خجالتی است، چگونه رفتار کنیم؟»

قبل از هر اقدامی، پاسخ‌گویی به چند سؤال می‌تواند راهگشا باشد. رفتار دانش‌آموز را مشاهده کنیم و ببینیم آیا او همیشه کناره‌گیر است یا فقط بعضی اوقات؟ چه شرایطی مسبب رفتار خجالت‌زده در کودک می‌شود؟ عملکرد او در گروه بهتر است یا به صورت انفرادی؟ آیا او به بازی با بچه‌ها علاقه دارد، اما از همراهی با آن‌ها به شدت می‌ترسد؟ اولین گام در پرورش کودک خجالتی، پذیرش اوست. احساسات دانش‌آموز را بشناسید و اجازه دهید خودش باشد. بی‌تفاوت نبودن نسبت به احساسات و علاقه‌های کودک، به شما امکان می‌دهد با او ارتباط برقرار کنید. با این کار می‌توانید اعتماد به نفس او را تقویت کنید.

اگر احساس کردید دانش‌آموز در موقعیت‌های سخت و مبهمی قرار گرفته است، او را یاری کنید تا بر ترس خودش غلبه کند. اگر او سعی کرد اما نتوانست، به او بگویید هم‌چنان «دوستش دارید». پرخاشگری نسبت به کودکی که با ترس‌هایش درگیر است، به هیچ وجه مناسب نیست. با کودک درباره‌ی ترس‌هایش صحبت کنید. با این کار از شدت ترس‌های او آگاه شوید و او را به ارتباطات بیشتر تشویق کنید. با پذیرش، عشق‌ورزی، حمایت و تشویق، او می‌تواند بر ترس‌های خود غلبه کند.

فوق برنامه‌ها و ساعات تفریحی موقعیت مناسبی هستند که می‌توان در آن‌ها به کودک خجالتی آموزش داد تا بهتر عمل کند. برای این کار می‌توانید با بازی‌های مفرح بین سایر دانش‌آموزان و ایجاد شور و شوق، در کودک خجالتی نیز انگیزه‌ی لازم را نیز ایجاد کنید. گاهی می‌توانید دانش‌آموز خجالتی را با دانش‌آموزانی که از لحاظ اجتماعی در سطح بالاتری هستند، در گروه‌های دو نفری قرار دهید و یا او را با دانش‌آموزانی که از لحاظ سنی از وی کوچک‌تر هستند، در یک گروه قرار دهید تا از این طریق، ضمن کسب اعتماد به نفس بیشتر، راه‌های تعامل با سایرین را فرا بگیرد. مثلاً می‌تواند به آن‌ها قصه بگوید و یا در بازی‌ها، سرگروه باشد.

با ایفای نقش در بازی، مهارت‌های وارد شدن به اجتماع و برقراری ارتباط اجتماعی را به او آموزش دهید. ادبیات مربوط به مهارت‌های اجتماعی را به بچه‌ها بیاموزید. مثلاً به دوستانش بگویید: «آیا من هم می‌توانم بازی کنم؟»

دادن دستورالعمل‌های گام به گام و روشن به دانش‌آموز، درباره‌ی آن‌چه که در گام بعدی باید انجام دهد، بسیار ضروری است. برای این کار معلم می‌تواند خودش را به دانش‌آموز نزدیک و به طور انفرادی و با کلمات ساده با وی صحبت کند. برای مثال بگوید:

«همه‌ی ما بعضی وقت‌ها خجالت می‌کشیم؛ مثلاً وقتی هم‌کلاسی جدیدی را می‌بینیم، یا به جای تازهای می‌رویم. من هم گاهی طول می‌کشد تا با دیگران گرم بگیرم. بنابراین، احساس نگرانی، خجالت و ترس تو را درک می‌کنم. اما مهم این است که وقتی خجالت می‌کشی، به خودت جرئت بدهی. برو جلو و به یکی از دوستان سلام کن. از او بخواه تا با تو بازی کند. حتماً او هم دوست دارد با تو بازی کند...»

وقتی کودکان می‌بینند که احساس آن‌ها برای دیگران مهم است، می‌کوشند بر ترس خود غلبه کنند. نشان دادن الگوهایی از دانش‌آموزانی که با دیگران تعامل و ارتباط خوبی دارند، در راهنمایی کردن دانش‌آموز خجالتی مؤثر است. کودک خجالتی می‌تواند با دیدن رفتار مناسب از سوی سایرین، نحوه‌ی ارتباط مناسب در هر مرحله را به خوبی فراگیرد.

زمانی که دانش‌آموز از تماس با دیگر بچه‌ها واهمه دارد، او را همراهی کنید و در حالی که وی ساکت است، مکالمه را با کودک دیگر آغاز کنید و درباره‌ی خودش و میزان علاقه‌اش به بازی بپرسید.

دانش‌آموز را با تجربیات جدید روبه‌رو کنید. برای مثال، از خانواده‌ی کودک بخواهید او را به مکان‌های جدید ببرند تا ترس و هیجان کودک کمتر شود. والدینی که می‌خواهند کودکشان رفتار اجتماعی داشته باشد، باید رفتارهای معاشرتی خود را بیشتر کنند.

در نهایت باید به یاد داشته باشیم، برای آن‌که دانش‌آموز خجالتی از «بودن در کنار سایر دانش‌آموزان لذت ببرد»، به «زمان» نیاز دارد تا بتواند به راحتی با محیط خودش تعامل کند.